

تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندی: ارزیابی تجربی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

محمود شارع‌پور^۱، حدیثه حجتی^۲

چکیده

مشارکت شهروندی مؤلفه‌ی اصلی در رسیدن به اهداف توسعه‌ی مدیریت شهری است و فرایندی است که در آن افراد بی‌تجربه و معمولی یک اجتماع، قدرت اتخاذ تصمیم در زمینه‌ی امور معمولی اجتماع خود را تجربه و تمرین می‌کنند که عوامل بسیاری شدت و میزان آن را تعیین می‌کند. پژوهش حاضر با عنوان تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندی: ارزیابی تجربی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، به بررسی تأثیر عواملی چون اعتماد به مردم، اعتماد به نهاد مدیریت شهری، عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی و رسانه بر میزان مشارکت شهروندی و گرایش به مشارکت شهروندی پرداخته است. چهارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن پیمایش است، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است که پس از سنجش روایی و پایایی آن، بر طبق فرمول کوکران جمعیت نمونه ۸۸۱ نفر از شهروندان مناطق ۲۲ گانه‌ی تهران از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعیین و پس از گردآوری اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS و AMOS به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به صورت مستقیم توانسته ۵۹ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را تبیین و پیش‌بینی کند و پس از ورود عامل گرایش به مشارکت شهروندی درون مدل، این سازه به

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران
m.sharepour@umz.ac.ir

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران
hojjati_hadiseh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۷

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ وصول: ۹۷/۳/۱۰

همراه تمام ابعاد خود و عامل گرایش به مشارکت، توانست ۶۲ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را تبیین و پیش‌بینی کند که اعتماد به نهاد مدیریت شهری در مدل اول و عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی در مدل دوم بیشترین تأثیر و رسانه کمترین تأثیر را در هر دو مدل در تبیین سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی داشته است و در نهایت تحلیل یافته‌ها نشان از مشارکت متوسط رو به پایین شهروندان در امور شهر و محله دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت شهروندی، امور محلی، اعتماد، شهرداری، تهران.

مقدمه و بیان مسأله

شهر واقعیت پیچیده‌ای است و شاید به تعبیری پیچیده‌ترین محصول بشر باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱) شهرها همچون موجودی زنده دوران مختلفی را پشت سر می‌گذارند، رشد می‌کنند و همچون انسان که نیازهایش با بزرگ شدن، وسیع‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، شهرها نیز این سیر تکاملی را حتی پیچیده‌تر پیش رو دارند. شهر محل زندگی انسان مدرن است، مکانی که علاوه بر ایجاد فرصت‌های بسیار برای ساکنان خود، می‌تواند منشأ پیدایش تهدیدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و ... نیز به حساب آید. تهران نیز به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین شهر ایران و همچنین یکی از بزرگترین شهرهای جهان از این قاعده مستثنا نیست. شهر تهران به دلیل پایتخت بودن، وسعت و موقعیت ویژه‌ی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی خود و همچنین تمرکز امکانات نسبت به سایر مناطق شهری کشور، به بستر مناسبی برای مهاجرت تبدیل شده است که سالانه افراد بسیاری از اقصی نقاط ایران با انگیزه‌ی کار، تحصیل، درمان، انجام امور اداری، تفریح و ... به این شهر وارد شده و به تدریج در آن ساکن می‌شوند که همین امر سبب شکل‌گیری تنوع قومی و فرهنگی در آن شده و در نهایت آن را تبدیل به مینیاتوری از ایران و بستری مناسب برای مطالعه و پژوهش‌های اجتماعی کرده است. که رشد و توسعه‌ی شهری آن در گرو رعایت حقوق و وظایف شهروندی است. از طرفی بهبود کیفیت زندگی شهروندی و ساختن شهر خوب از اهداف مدیران و برنامه‌ریزان شهری است، که سازمان ملل متحد برای رسیدن به این مهم

راهکاری را ارائه کرده است: تشویق شهروندان به مشارکت در امور محلی و افزایش کیفیت معیارهای شهری و مدیریت شهری. بنابراین تمرکز پژوهش حاضر حول مسأله‌ی اول یعنی بررسی عواملی است که سبب تقویت مشارکت شهروندان در امور شهر و محله می‌شود زیرا رشد بی‌رویه‌ی توسعه‌ی شهرنشینی در عصر امروز بویژه افزایش جمعیت در شهرهای کشور بویژه شهر تهران، سبب بروز مسائل و مشکلاتی شده است که حل آن از توان مدیریت سنتی خارج است و مشارکت کلیه‌ی شهروندان را در اداره امور شهری طلب می‌کند (حسین‌زاده و فدایی ده‌چشمه، ۱۳۹۱: ۶۱). همچنین در گزارش توسعه‌ی انسانی برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد عنوان شده است: «موضوع مشارکت مردم، رفته رفته به مسأله‌ی اصلی زمان ما در می‌آید» (آتال^۱ و الس، ۱۳۷۹: ۲۷) چراکه بسیاری از مسائل و مشکلات شهرهای امروزی ریشه در عدم مشارکت مردم به عنوان اصلی‌ترین عنصر جامعه در طرح و اجرای برنامه‌ها دارد، به طوری که اجرای هر برنامه بدون در نظر گرفتن نظر و مشارکت مردم کاری بیهوده است (توکلی و میرزاپور، ۱۳۸۸: ۱۳۸). بنابراین رهبران کارآمد برای دستیابی به مشارکت حداکثری مردم و اجرای هرچه بهتر برنامه‌های توسعه‌ی شهری، نه با انحصار قدرت، بلکه با توزیع آن، به شهروندان قدرت عمل می‌دهند (سازمان ملل متحد، ۱۳۹۲: ۶۷۴). ارنستاین^۲ نیز بیان می‌دارد: مشارکت شهروندان اصطلاح روشنی است برای قدرت شهروندان، و به معنی توزیع مجدد قدرت است و شهروندانی را که از فرآیندهای سیاسی و اقتصادی حذف شده‌اند قادر می‌سازد به طور سنجیده و آگاهانه در آینده‌ی خویش دخالت نمایند (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۶ به نقل از فاضلی و همکاران، ۱۳۹۴). از طرف دیگر مشارکت سبب افزایش درک و آگاهی شهروندان از مسائل مربوط به خودشان و نیاز متقابل به یکدیگر می‌شود، به ایجاد جامعه بهتر کمک می‌کند و توانایی‌های یک جامعه را برای هماهنگ کردن کنش‌های افراد به منظور توسعه و بهبود کالاهای جمعی ارزشمند، تقویت کرده و حکومت‌گری بهتری را ایجاد می‌کند و همچنین فرصت‌های تدوین سیاست‌های

^۱ Atall

^۲ Arnestein

هوشمندانه را افزایش می‌دهد (ساروخانی و امیر پناهی، ۱۳۸۵: ۱۳۳)، این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند که خصوصیات فردی خود همچون اعتماد به نفس، احساس قدرت، دانش، توانایی حل مشکلات را در درون خود تقویت کنند و با گسترش روابط خود با سازمان‌ها و شرکت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها به توسعه‌ی سازمانی و با بحث در مورد منافع مشترک خود در جامعه و حل اختلافات به توسعه‌ی اجتماعی کمک کنند که بالطبع، این امر باعث رشد و پیشرفت جامعه در حالت کلی می‌شود (بام^۱، ۲۰۰۴: ۱۸۴۳). اگر به کشورهای توسعه‌یافته پس از جنگ جهانی دوم در دهه‌های مجزای توسعه که هر کدام را با نامی می‌شناسند، نظری کوتاه بیان‌دازیم، متوجه می‌شویم شکل برنامه‌ریزی‌ها و اجزای آنها در شهر در قالب مدیریت شهری، از رویکردهای بالا به پایین به رویکردهای پایین به بالا، از پیش‌نگر به اقتضایی و از فیزیکی و کالبدی به انسان‌محور و شهروندگرایی متحول شده است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲) و این امر نشان از اهمیت ویژه‌ی نقش شهروندان در توسعه‌ی شهری و نیز مفهوم شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم سیاسی و اجتماعی دارد چراکه حضور و کنش مشارکتی شهروندان در راستای حل مشکلات شهر و محله امری ضروری است. در شرایطی که مردم نخواهند یا نتوانند برای کمک به اداره‌ی امور شهر و محله خود گام بردارند احتمال اینکه مدیریت شهری نتواند مسائل حادی که شهر با آن مواجه است را حل کند بسیار است. از طرف دیگر اگر مدیران و برنامه‌ریزان شهری به دنبال اجرا و تحقق برنامه‌ها و سیاست‌های شهری خود هستند باید آن‌ها را با محیط اجتماعی هماهنگ سازند و این امر تنها با مشارکت مردم به دلیل شناخت ژرف آن‌ها از نیازها، خواسته‌ها و محیط اجتماعی خود امکان‌پذیر است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۲). همچنین در راستای تقویت مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر و محله شاخص سرمایه‌ی اجتماعی که درون‌مایه‌ی آن مفهوم اعتماد است، نقش بسیار اساسی دارد و به نظر می‌رسد زمانی که افراد به‌عنوان شهروند نسبت به یکدیگر و نسبت به مدیران و برنامه‌ریزان شهری اعتماد داشته باشند،

^۱ Baum

نسبت به امور شهر و محله‌ی خود بیشتر احساس مسؤولیت کرده و در نهایت مشارکت بیشتری خواهند داشت. بنابراین مطالعه و پژوهش مسأله‌ی مشارکت شهروندی به عنوان عنصر اصلی و تفکیک‌ناپذیر توسعه و چالشی اساسی برای رسیدن به توسعه پایدار شهری، امری لازم و ضروری است که نوع نگرش افراد نسبت به پدیده‌ی مشارکت شهروندی برکنش آن‌ها تأثیر می‌گذارد بنابراین مسأله‌ی اصلی در تحقیق حاضر بررسی این مهم است که مؤلفه‌هایی چون اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به نهاد مدیریت شهری، عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی و رسانه‌ها به عنوان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی به چه میزان منجر به مشارکت و گرایش به مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهر و محله می‌شود؟ و در مجموع قدرت تبیین‌کنندگی مدل تجربی پژوهش در بستر جامعه‌ی شهری تهران چقدر است؟

پیشینه تجربی

علی‌پور، زاهدی و شیانی (۱۳۸۸) پژوهشی را با هدف بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی با روش پیمایش در شهر تهران انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته رابطه‌ی معناداری وجود دارد، و متغیرهای اعتماد تعمیم‌یافته و پایگاه اقتصادی-اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی‌اند و در مجموع میزان مشارکت ۷۶/۱ درصد کل پاسخگویان در حد پایین و ۱۷/۴ درصد در حد متوسط و تنها ۶/۵ درصد در حد بالایی است، که ۹۴ درصد طبقات پایین جامعه از مشارکت پایینی برخوردار بوده و میزان مشارکت در طبقات متوسط و بالا افزایش می‌یابد.

خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی را با هدف بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷ انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایتمندی از عملکرد مسؤولان

شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته‌ی مشارکت اجتماعی دارای رابطه‌ی معناداری بوده‌اند و در نهایت از بین متغیرهای مستقل، متغیر درآمد در تغییرات مشارکت بیشتر از سایر متغیرها مؤثر بوده است و بعد از آن به ترتیب، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری، استفاده از رسانه‌های گروهی در مشارکت مؤثرترین عامل بوده‌اند.

محمدی، باقری و حیدری (۱۳۹۲) تحقیقی را با هدف سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن در شهر سنندج را با روش پیمایش انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است هرچه افراد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آن‌ها بیشتر است و برعکس، همچنین بین احساس تعلق به محله‌ی زندگی، رضایت از عملکرد شهرداری، آگاهی شهروندان از طرح‌های توسعه‌ی شهری، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد و عضویت رابطه‌ی معناداری وجود دارد و در نهایت نیز میزان مشارکت شهروندی پایینی را در بین شهروندان گزارش می‌کند.

فخرایی و مرزی (۱۳۹۶) تحقیقی را با هدف بررسی رابطه‌ی مشارکت شهروندان و برگ خریدهای اصلی مدیریت شریف با روش پیمایش انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است بعد ذهنی تمایل به مشارکت در مدیریت شهری بالا و بستر مناسبی برای مشارکت در شهر تهران وجود دارد اما در بعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. مشارکت شهروندی بیشترین تأثیر و رابطه را با آگاهی شهروندی داشته و تأثیری محسوس بر اعتماد اجتماعی دارد.

گیلمن و دی فرانسیسکو^۱ (۱۹۸۳) در مطالعات خود در روسیه به رابطه بین مشارکت و اعتماد به سایر شهروندان و همچنین اعتماد به نظام سیاسی اشاره کرده‌اند. هنگامی که افراد احساس کنند که کارکردهای نظام منافع آن‌ها را تأمین نمی‌کند به افراد مجری نزدیک می‌شوند نه سیاست‌گذاران، بنابراین به مکانیسم‌های سازش کارانه بها داده می‌شود

¹ Gitelman & Difrancesico

و مانع فرهنگ سیاسی-اجتماعی متکی بر روابط جمعی می‌شود و اجتماع سنتی را تقویت می‌کند.

مارشال^۱ (۲۰۰۴) پژوهشی را با عنوان «مشارکت شهروندی و سازمان‌های محله‌ای، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی» انجام داده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که مدیران محلی می‌توانند مشارکت شهروندان را با ایجاد ساختارهای مشارکتی همچون سازمان‌های محله‌ای افزایش دهند. همچنین پایگاه اقتصادی-اجتماعی (درآمد، تحصیلات، سوگیری‌های مدنی) با سطح مشارکت رابطه‌ی عمیق و معناداری دارند، به طوری که افراد با پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی بالا به منابع بیشتری دسترسی دارند، مهارت‌های بین فردی بهتر و تعاملات اجتماعی بیشتری دارند بیشتر مشارکت می‌کنند. ضمن آنکه بین سوگیری مدنی، بویژه بین خودکارآمدی و اعتماد اجتماعی با مشارکت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

مبانی نظری

مشارکت: بنا به تعاریفی که از مشارکت ارائه شده است، مشارکت به معنی همکاری کردن، شرکت در کاری و یا فقط حضور داشتن است. یعنی تنها حضور یک فرد یا سازمان در اجتماعی که برای بحث در تصمیم‌گیری درباره مسأله‌ای تشکیل شده است، می‌تواند به معنی مشارکت در آن کار باشد (ازکیا، ۱۳۸۸). در فرآیند مشارکت، هر فرد بر اساس اراده‌ی خویش به قبول مسؤلیتی خاص در چهارچوب اهداف مشخص جامعه مورد نظر خود می‌پردازد و با همیاری فکری و عملی در تصمیم‌گیری‌ها، طرح‌ها، خط‌مشی‌ها و به اجرا در آوردن آنها سهم خود را ادا می‌کند. پاتریک^۲ مشارکت را در معنای گسترده‌اش به معنی «برانگیختن حساسیت مردم و نتیجتاً به معنای افزایش درک و توان افراد جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی می‌داند» (موسوی، ۱۳۹۱: ۳۶). ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به

¹ Marschall

² Patric

کار گرفت و در توضیح آن از «نردبان مشارکت» استفاده کرد. وی معتقد است که مشارکت بدون بازتوزیع قدرت برای افراد بی‌قدرت فرایندی ملال‌آور و بی‌فایده است. این فرایند به قدرتمندان این امکان را می‌دهد که ادعا کنند که تمام جوانب امر را در نظر گرفته‌اند، در حالی که تنها برخی جوانب که برای آنان سودآور است در نظر گرفته شده است (آرنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۶). پلکان مشارکت آرنشتاین، شامل هشت پله و سه مرحله است که هر اندازه از پایین این نردبان به سمت بالا حرکت می‌کنیم، با مشارکت بیشتر شهروندان روبرو می‌شویم. پله‌های این نردبان عبارتند از:

مرحله‌ی اول: پله‌های بدون مشارکت

- اعمال نفوذ و دستکاری^۱: در این پله، مشارکتی وجود ندارد و افرادی که در مواضع مدیریتی قرار دارند شهروندان را به پذیرش ایده‌هایی تشویق می‌کنند که از پیش طراحی شده است.

- درمان (مداوا^۲): در این پله پیش‌فرض مدیران و قدرتمندان این است که شهروندان عادی، شناخت درست و توانایی رفع مسائل خود را ندارند و مداوای این مسائل، توسط برنامه‌ریزان بیرونی ممکن می‌شود.

مرحله‌ی دوم: پله‌های وجود مشارکت ظاهری

- اطلاع‌رسانی^۳: در این پله، حقوق، مسؤولیت‌ها و گزینه‌های موجود به شهروندان اطلاع داده می‌شود ولی توجهی به بازخورد آن در میان شهروندان وجود ندارد.

- مشاوره^۴: در این پله، استفاده از روش‌های کمی و کیفی برای گردآوری عقاید شهروندان بدون تضمین اعمال ایده‌ها در تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌پذیرد.

- جلب موافقت یا تسکین^۵: این پله آخرین پله از مشارکت ظاهری است و شامل امکان ارائه‌ی نظر، برنامه و مشاوره بدون حقوق تصمیم‌گیری است.

¹ Manipulation

² Therapy

³ Informing

⁴ Consultation

⁵ Placation

مرحله‌ی سوم: پله‌های مشارکت

- شراکت^۱: اولین پله‌ی مشارکت واقعی، شامل همکاری متقابل شهروندان و مسئولان با انجام تقسیم مسئولیت است. شهروندان حق اعلام برنامه و عقایدی را دارند که اگر قابل اجرا باشد با تصمیم مسئولان اجرا می‌شود. شوراها در صورت کارآمدی، یکی از انواع ممکن در این پله هستند (آرنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۷).
- قدرت محوله^۲: در این پله بخشی از قدرت از سوی مسئولان به شهروندان محول شده است. شهروندان حق تصمیم‌گیری واقعی و ضمانت اجرایی دریافت می‌کنند (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸).
- کنترل و اختیار شهروندی: آخرین پله از مشارکت، شامل مشارکت کامل و قدرت تصمیم‌گیری مطلق شهروندان بدون دخالت هرگونه عوامل خارجی است (آرنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۷).

گرایش به مشارکت: آیزن و فیش‌باین^۳ معتقدند برای تبیین یک رفتار و یا کنش باید ابتدا به آمادگی یا گرایش بروز رفتار و یا عمل توجه نمود، زیرا گرایش و آمادگی برای تبیین رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید که حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار قصد و نیت برای انجام یک رفتار است. نیت نیز تابع دو متغیر: گرایش به رفتار و هنجار ذهنی است. گرایش به رفتار متغیری فردی و شخصی است و متغیر هنجار ذهنی، بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری احساس و ادراک می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۱-۸). بنابراین گرایش^۴، متغیری فردی و شخصی است که طی آن فرد، خوب یا بد بودن یک رفتار (یا یک پدیده) را از نظر خود ارزیابی می‌کند. و اشاره دارد به نگرش افراد نسبت به مسأله‌ی مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی، کنش اجتماعی عبارت است از همه‌ی حالات فکری، احساسی و رفتاری که جهت‌گیری آنها بر اساس

¹ Partnership

² Delegated power

³ Aizan & Fishbien

⁴ Tendency

الگوهای جمعی ساخت‌یابی شده‌اند (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۹-۱۸). در این پژوهش رفتار یا پدیده همان مشارکت است که به معنی انواع کنش‌های فردی و گروهی است که به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی شهر و محله صورت می‌گیرد.

مدیریت شهری: سیستم مدیریت شهری یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری است که هدف آن اداره، هدایت و کنترل توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار شهر است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۲: ۵۶).

سرمایه‌ی اجتماعی^۱

در این پژوهش برای تحلیل مدل مشارکت شهروندی از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی استفاده شده است. ریشه‌های مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به کارهای متفکرانی چون دورکیم^۲، مارکس^۳ و حتی ارسطو برمی‌گردد (لهتنن^۴، ۲۰۰۴: ۲۰۴) که از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی وارد مباحث علوم اجتماعی و اقتصادی گردید. نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تحلیل خود را حول ویژگی‌های کلان اجتماعی متمرکز می‌کند و معتقد است این ویژگی‌ها انگیزشی در افراد ایجاد می‌کند که عامل مشارکت و توسعه‌ی جامعه خواهد شد. سرمایه‌ی اجتماعی منبع بسیار مهمی است که می‌شود آن را در شهرها برای حل مشکلات و بهبود کیفیت زندگی به کار گرفت (بسر^۵، ۲۰۰۹: ۱۸۵) که عدم وجود آن سبب عدم تمایل و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود.

در واقع سرمایه‌ی اجتماعی در درون یک فرد یا یک سازمان اجتماعی وجود ندارد بلکه در فضای ارتباطی بین افراد وجود دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۷) و به عنوان یک مفهوم تئوریک، متغیرهایی مانند مشارکت در جامعه‌ی محلی، اعتماد، انسجام

^۱ Social Capital

^۲ E. Durkheim

^۳ K. Marx

^۴ Lehtonen

^۵ Besser

اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل و کانال‌های اطلاعاتی را در بر می‌گیرد (کریستوتاکیس و دیگران^۱، ۲۰۱۱: ۱۶۵۴). فوکویاما^۲ نیز معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا هنجارهای غیر رسمی تعریف کرد که اعضای یک گروه مشترکاً بدان‌ها باور دارند و همکاری بین آنان را مجاز می‌سازد (فوکویاما، ۱۹۹۷). که پاکسون آن را پیوندهای عینی و ذهنی یا حسی در بین افراد جامعه می‌داند (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰). همچنین بوردیو^۳، جامعه‌شناس فرانسوی به عنوان یکی از اولین محققانی که به شیوه‌ای نظام‌مند، مشخصات سرمایه‌ی اجتماعی را تحلیل کرده‌است (نارایان و کسیدی^۴، ۲۰۰۱: ۵۹) اعتقاد دارد «سرمایه‌ی اجتماعی نتیجه‌ی انباشت منابع بالفعل یا بالقوه‌ای است که مربوط به مالکیت یک شبکه‌ی پایدار از روابط کم و بیش نهادینه‌شده در بین افرادی که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود» است (بوردیو، ۱۹۸۵: ۲۴۸) و شامل اطلاعات، اعتماد و هنجارهای دوسویه‌ی ذاتی شبکه‌های اجتماعی هر فرد است (وول کاک^۵، ۱۹۹۸: ۱۵۳)؛ همچنین فرهنگ اعتماد و مداراست که در درون آن شبکه‌های گسترده‌ی انجمن‌های داوطلبانه پدید می‌آید (اینگلهارت^۶، ۱۹۹۷: ۱۸۸).

جیمز کلنن نیز معتقد است مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که به چه طریق ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. وی برای سرمایه‌ی اجتماعی شاخص‌هایی را ارائه می‌دهد: الف) تعهدات ایجاد شده ب) دسترسی اطلاعاتی ج) استقرار در مکان هنجارهای اجتماعی د) کسب اقتدار ه) کسب هویت گروهی (کلنن، ۱۳۷۷). وی تأکید می‌کند که سرمایه‌ی اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه‌ی انسانی را به‌همراه دارد.

¹ Kritsotakis & et al

² Fukuyama

³ Bourdieu

⁴ Narayan & Cassidy

⁵ Wookock

⁶ Inglehart

پاتنام نیز به عنوان یکی از چهره‌های شاخص در این نظریه معتقد است، سرمایه‌ی اجتماعی رشته روابط متقابل همکارانه بین شهروندانی است که حل مشکلات عمل جمعی و رسیدن به سود متقابل را تسهیل می‌کند، فرایندی است که کنشگران اجتماعی طی آن فرآیند شبکه‌ی ارتباطات درون و بین سازمان‌ها را برای دستیابی به منابع سایر کنشگران اجتماعی خلق و بسیج می‌نماید، ضمن آنکه توانایی کنش‌گران در تضمین منافع صرفاً به علت عضویت آنان در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی است (پورتس^۱، ۱۹۹۸: ۶)، وی سه شاخص را برای سرمایه‌ی اجتماعی مطرح می‌کند: آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی (وینتر^۲، ۲۰۰۰: ۳) که اعتماد مهم‌ترین شاخص آن در سرمایه‌ی اجتماعی است که به مثابه‌ی ساز و کاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل مشارکت اجتماعی، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه عمل می‌کند و موجب پیوند محکم و قابل اعتماد شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی و تقویت، ارتقاء اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۵) و به معنای باور صداقت، صلاحیت و قابلیت اطمینان از فرد مورد اعتماد یا خدمات مربوط است (کووا و دیگران^۳، ۲۰۰۹: ۲۵۵)، زتومکا، سطح اعتماد را به صورت لایه‌هایی در نظر می‌گیرد که از عینی‌ترین روابط میان اعضای خانواده شروع شده و تا انتزاعی‌ترین روابط مانند اعتماد به نظم اجتماعی^۴، کارایی نظام و... ادامه دارد (زتومکا^۵، ۱۳۸۶: ۳۷). به اعتقاد پاتنام، اعتمادی که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود، باعث افزایش مشارکت اجتماعی است (پاتنام، ۱۹۹۵). وی همچنین معتقد است شبکه‌های مشارکت مدنی از شکل‌های ضروری سرمایه‌ی اجتماعی هستند که هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که

¹ Ports

² Winter

³ Kovac & et al

⁴ Social Order

⁵ Ztompka

شهروندان بتوانند در راستای منافع جمعی همکاری کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۶) و کلمن^۱ معتقد است اصولاً اعتماد از سطح عضویت در انجمن‌ها به سطح گسترده‌تر جامعه منجر می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۷۲). پاتنام برای تلویزیون نیز نقش ویژه‌ای قائل است و معتقد است رسانه‌ها به اشکال متفاوت موجب شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی می‌شوند و به تصورات افراد از محیط شکل می‌دهند. آنها می‌توانند با ارائه‌ی تصویری زشت یا زیبا از جامعه، به شکل‌گیری الگوهای کنش در بین مخاطبان کمک کنند تا افراد در موقعیت‌های گوناگون کنش‌های متفاوتی را از خود بروز دهند که این کنش‌ها خود شکل‌گیری اعتماد یا مشارکت مدنی را فراهم می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵: ۷۳). رسانه‌ها، با کمک نظم‌دادن به تجربه‌ی ما از زندگی اجتماعی، شیوه‌هایی را قالب‌ریزی می‌کنند که افراد به وسیله‌ی آنها زندگی اجتماعی را تفسیر می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۷، ۴۷۹). تا جایی که شری ارنشتاین^۲ در نظریه‌ی نردبان مشارکت، به نوعی از رسانه‌های جمعی به مثابه‌ی دومین پله و محرک مشارکت یاد می‌کند (ارنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۷).

جدول زیر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی را نشان می‌دهد: (امام‌جمعه زاده و دیگران، ۱۳۹۰:

(۱۴-۱۵)

نظریه‌پرداز	ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی
پاتنام	وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی. سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماع محلی. هنجارهای تعمیم‌یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آنها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر؟
کلمن	تکالیف و انتظارتی که بستگی به میزان قابل اعتماد بودن محیط اجتماعی دارد. ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای

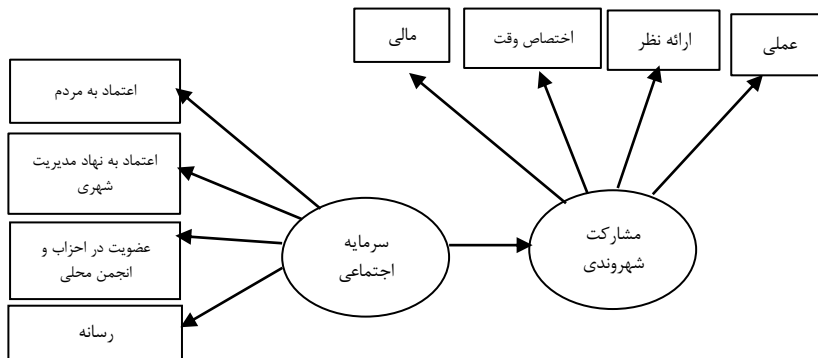
¹ Kelman

² Sherry Arnstein

<p>برای کنش فراهم آورد. وجود هنجارهایی که همراه با ضمانت اجرایی مؤثر باشند.</p>	
<p>اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیر رسمی، بخشش و روحیه‌ی داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی، تنوع معاشرت و دوستی‌ها</p>	<p>گروه‌کندی دانشگاه هاروارد</p>
<p>ساختاری (توانایی فرد در برقراری پیوندهای ضعیف و قوی با دیگران در یک سیستم که این بعد مربوط به منافع حاصل از ساختارهای شبکه‌های فردی و جمعی شخص عامل است). ارتباطی (تمرکز بر ویژگی‌های رابطه بین افراد دارد، این بعد را می‌توان با اعتماد، همکاری اجتماعی و کسب هویت فردی از طریق احساس تعلق در درون یک شبکه تشریح کرد. شناختی (درک معانی مشترکی که افراد و گروه‌ها از یکدیگر دارند)</p>	<p>ناهایت و گوشال</p>

بنابراین با توجه به ابعاد مشترک آراء نظریه‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی و با تأکید بر نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام به عنوان چهارچوب نظری (اعتماد، عضویت در گروه‌ها و منابع آگاهی‌رسان) و تأکید آن ابعاد بر شکل‌گیری و تقویت کنش جمعی به تدوین مدل نظری پرداخته‌ایم. فرض مدل نظری سرمایه‌ی اجتماعی بیان می‌کند، شهروندانی که در شبکه‌های غیررسمی عضو هستند، تلویزیون تماشا می‌کنند و در احزاب و انجمن‌های محلی عضو هستند، دارای دلبستگی‌های محلی اجتماعی بوده و به نهادها و مردم اعتماد دارند، بنابراین این افراد سطوح بالاتری از مشارکت شهروندی را نشان می‌دهند (ویوراس^۱، ۲۰۰۷).

¹ Viveros



مدل مفهومی رابطه میان سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت شهروندی

فرضیه‌ی پژوهش

متغیرهای ناشی از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد به مردم، اعتماد به نهاد مدیریت شهری، رسانه‌ها، عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی) بر میزان مشارکت و گرایش به مشارکت شهروندان تهران مؤثر است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر جمع‌آوری اطلاعات توصیفی-تبیینی و با روش پیمایش صورت گرفته است. اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها و نیز مدل نظری پژوهش به وسیله‌ی پرسشنامه (محقق ساخته) با سؤالات بسته در مقیاس طیف لیکرت در ۴۵ گویه جمع‌آوری شده است. همچنین برای تدوین مبانی و چهارچوب نظری و پیشینه‌ی تحقیق از روش اسنادی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش نیز شامل شهروندان تمام مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است که بالای ۱۸ سال دارند^۱. همچنین دامنه‌ی سنی ۱۸ تا ۷۳ سال است. نمونه‌ی آماری پس از تعیین حجم

^۱ ۱۸ سال به دلیل اجماع عمومی مبنی بر بلوغ ذهنی افراد انتخاب شده است.

نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری طبقه‌ای کوکران^۱ ۸۸۱ نفر محاسبه شد که با توجه به حاشیه‌ی امن پژوهش تعداد پرسشنامه‌های پر شده به ۹۰۰ تا رسید. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، عمل نمونه‌گیری انجام شد که با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۵ تهران به ۲۲ منطقه تقسیم‌بندی شده و هر یک از افراد در درون مناطق و محلات به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای سنجش اعتبار ابزار پژوهش ابتدا از اعتبار^۲ صوری، با استفاده از راهنمایی و نظرات استاد راهنما انجام گرفت و برای سنجش پایایی^۳ ابزار اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ بدین صورت که ابتدا پرسشنامه در بین ۵۰ نفر از نمونه‌ی آماری توزیع گردید و سپس اطلاعات جمع‌آوری شده حاصل از آن توسط نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. جدول شماره (۱) ضریب آلفا برای متغیر وابسته مشارکت شهروندی و ابعاد متغیر مستقل، سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد به مردم، اعتماد به نهاد مدیریت شهری، رسانه‌ها، عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی) را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: مقادیر آلفای کرونباخ برای متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت شهروندی	۰/۹۱
گرایش به مشارکت شهروندی	۰/۸۱
اعتماد به مردم	۰/۸۱
اعتماد به نهاد مدیریت شهری	۰/۹۰
عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی	۰/۷۸
رسانه‌ها	۰/۷۸

مطابق با جدول شماره‌ی (۱)، مقادیر همه ضرایب آلفا در سطح خوب و عالی قرار دارد و نشان از بالا بودن همبستگی درونی گویه‌های هر شاخص دارد.

^۱ Cochran

^۲ Validity

^۳ Reliability

همچنین در پژوهش حاضر به دو روش توصیفی^۱ و استنباطی^۲ به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، پرداخته‌ایم. برای توصیف ویژگی‌های جامعه مورد بررسی از آماره‌های توصیفی جدول سازی، میانگین، میانه، مد استفاده شده است که با استفاده از نرم‌افزار SPSS^۳ بدان پرداخته شده است و همچنین برای بررسی روابط علی بین متغیرهای اصلی پژوهش و آزمون مدل نظری از روش تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است که با استفاده از نرم‌افزار AMOS^۴ بدان پرداخته‌ایم.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های به دست آمده از پیمایش حاضر، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در این جمعیت نمونه بدین شرح است: میانگین^۵ سنی در جمعیت نمونه ۳۴/۶ سال و رده سنی پاسخگویان از ۱۸ تا ۷۳ سال است. میانه^۶ سنی ۳۲ سال و نما^۷ ۳۰ سال است. میانگین سنی زنان ۳۲/۲ و میانگین سنی مردان ۳۶/۷ است. جدول شماره ۲ فراوانی پاسخگویان را با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: نتایج بررسی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر جمعیت‌شناختی	توزیع نمونه
جنسیت	۴۷ درصد زن، ۵۳ درصد مرد
سن	۲۲/۴ درصد ۱۸-۲۵ ساله، ۲۳/۱ درصد ۲۶-۳۰ ساله، ۱۵/۶ درصد ۳۱-۳۵ ساله، ۱۳/۸ درصد ۳۶-۴۰ ساله، ۷/۸ درصد ۴۱-۴۵ ساله، ۶/۵ درصد ۴۶-۵۰ ساله، ۳/۶ درصد ۵۱-۵۵ ساله، ۳/۸ درصد ۵۶-۶۰ ساله، ۲/۶ درصد ۶۱-۶۵ ساله، ۰/۷ درصد ۶۶-۷۰ ساله، ۰/۲ درصد ۷۱-۷۵ ساله.

¹ Descriptive

² Referential

³ Statistical Package for Social Sciences

⁴ Analysis of Moment Structures

⁵ Mean

⁶ Median

⁷ Mode

متغیر جمعیت‌شناختی	توزیع نمونه
وضعیت تأهل	۳۸/۱ درصد مجرد، ۵۰/۹ درصد متأهل، ۶/۷ درصد طلاق گرفته و ۴/۳ درصد فوت همسر.
وضعیت اشتغال	۱۷ درصد محصل و دانشجو، ۵۱/۷ درصد شاغل، ۳۱/۳ درصد بیکار
وضعیت تحصیلات	۱۳ درصد زیر دیپلم، ۲۴ درصد دیپلم، ۵۰ درصد لیسانس، ۱۲/۹ درصد فوق و بالاتر ۱ نفر حوزوی
درآمد	۴/۲ درصد کمتر از یک میلیون، ۳۳/۱ درصد بین یک تا دو میلیون، ۳۲/۶ درصد بین دو تا چهار میلیون، ۱۷/۴ درصد بین چهار تا شش میلیون، ۱۱/۱ درصد بالای شش میلیون
نوع تصرف محل سکونت	۴۴/۷ درصد مالک، ۵۱/۳ درصد مستاجر، ۴ درصد سازمانی
طبقه‌ی اجتماعی	۱۱/۹ درصد طبقه پایین، ۳۲ درصد متوسط رو به پایین، ۵۰/۲ درصد متوسط، ۵/۲ درصد متوسط رو به بالا، ۰/۶ درصد بالا

توصیف متغیرهای اصلی تحقیق:

آماره‌های توصیفی به دست آمده از متغیرهای اصلی تحقیق (مشارکت شهروندی به عنوان متغیر وابسته و «سرمایه‌ی اجتماعی» به عنوان متغیرهای مستقل) به ترتیب در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	محدوده	میانه	مد	انحراف معیار
مشارکت شهروندی	۱۷	۷۱	۴۲/۴۸	۵۴	۴۱	۳۷	۱۰/۵۰
گرایش به مشارکت شهروندی	۱۳	۴۵	۳۰/۷۰	۳۲	۳۱	۳۱	۵/۹۵
سرمایه اجتماعی	۲۲	۱۱۱	۵۸/۹۲	۸۹	۵۹	۵۴	۱۲/۴۴

چنانکه در جدول بالا نمایش داده شده است، متغیر مشارکت شهروندی میانگین ۴۲/۴۸ را به دست آورده است که در مقایسه با میانگین ارزش گویه‌ها (۵۲/۵) در سطح پایین‌تری قرار گرفته است. این مسأله نشان می‌دهد که در کل پاسخگویان مشارکت‌شان پایین‌تر از میانگین متوسط میزان مشارکت در امور شهر و محله است. متغیر گرایش به مشارکت نیز میانگین ۳۰/۷۰ را به دست آورده است که در مقایسه با میانگین ارزش گویه‌ها (۳۵/۵) در سطح پایینی قرار دارد و نشان دهنده‌ی این مطلب است که در کل پاسخگویان به لحاظ نگرشی گرایش پایینی به مشارکت در امور شهر و محله دارند. متغیرهای مربوط به مدل سرمایه‌ی اجتماعی نیز میانگین ۵۸/۹۲ را به دست آورده است که در مقایسه با میانگین ارزش گویه‌ها ۶۶/۵ در سطح پایینی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است وضعیت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد افراد به مردم، اعتماد افراد به نهاد مدیریت شهری، عضویت افراد در احزاب و انجمن‌های محلی، رسانه) در بین شهروندان تهرانی در سطح پایینی قرار دارد.

آزمون فرضیه

جدول شماره‌ی (۴) ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش را نشان می‌دهد که به وسیله‌ی آزمون پیرسون روابط هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته را با یکدیگر مورد آزمون قرار داده است. داده‌ها نشان می‌دهند همه‌ی متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته یعنی مشارکت شهروندی رابطه‌ی مثبت و مستقیم داشته‌اند. همچنین بیشترین همبستگی مشاهده شده با مشارکت شهروندی در متغیر عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی دیده شده است. بدین معنا که هرچه افراد در احزاب و انجمن‌های محلی حضور فعال‌تری داشته باشند، شاهد مشارکت بیشتری از سوی آنان در امور شهر و محله خواهیم بود و کمترین همبستگی را متغیر رسانه با مشارکت شهروندی داشته است.

جدول شماره ۴: آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تحقیق

مشارکت شهروندی		شاخص‌ها
sig	r	

۰/۰۰	۰/۲۱۸ ^{**}	اعتماد به مردم
۰/۰۰	۰/۳۸۱ ^{**}	اعتماد به نهاد مدیریت شهری
۰/۰۰	۰/۴۲۶ ^{**}	عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی
۰/۰۰	۰/۱۱۸ ^{**}	رسانه‌ها

بررسی روابط علی بین متغیرهای اصلی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار AMOS

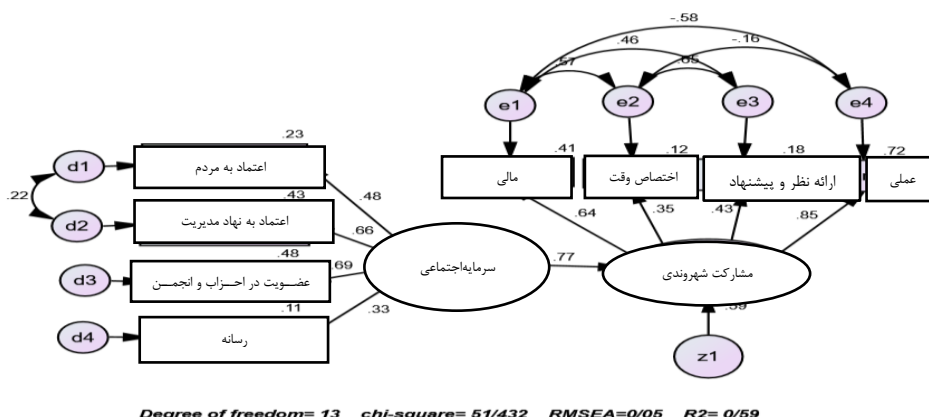
نرم‌افزار AMOS به عنوان یکی از نرم‌افزارهای معادله ساختاری مطرح است. مدل ساختاری روشی برای آزمون مدل نظری است. بر این اساس برای کاربرد این تکنیک نیاز است تا محقق مدل نظری پیش‌فرض داشته باشد. مدل‌یابی معادله‌ی ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیاری نیرومند از خانواده‌ی رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه‌ای همزمان مورد آزمون قرار دهند (فیروزجاییان، شارع‌پور و فرزام، ۱۳۹۵: ۲۵). مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری ترکیبی از تکنیک تحلیل عاملی و تحلیل مسیر ارائه می‌دهد. تحلیل عامل خود به دو دسته‌ی تأییدی و اکتشافی تقسیم می‌شود. نرم‌افزارهای معادله ساختاری از نوع تحلیل عامل تأییدی را مورد آزمون قرار می‌دهند. تحلیل عامل تأییدی را می‌توان به دو دسته‌ی مرتبه اول و مرتبه‌ی دوم تقسیم کرد. در تحلیل عامل مرتبه‌ی دوم، سازه‌های مرتبه‌ی اول خود تحت تأثیر یک سازه از مرتبه‌ی بالاتر قرار می‌گیرد. در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آموس مدلی ساختاری بر اساس مدل نظری ارائه شده‌است و از این طریق تلاش شده‌است تا میزان برازش مدل نظری در مقابل داده‌های نمونه‌ای سنجیده شود در حقیقت محقق از این طریق تلاش دارد تا مدل نظری پژوهش را در جامعه‌ی مورد مطالعه بررسی نماید.

در پژوهش حاضر ابتدا تأثیر مستقیم سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را بر مشارکت شهروندی مورد آزمون قرار داده‌ایم و قدرت تبیین‌کنندگی آن را سنجیده‌ایم و سپس با ورود عامل گرایش به مشارکت شهروندی قدرت تبیین‌کنندگی و تأثیر غیر مستقیم این سازه را بر مشارکت آزمون کرده‌ایم تا نقش و میزان تأثیر عامل نگرش افراد به مشارکت را در کنار سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت شهروندی بسنجیم.

مدل شماره‌ی ۱ بیانگر مدل تجربی تحقیق است، که تأثیر مستقیم مؤلفه‌ی اصلی تحقیق یعنی سرمایه‌ی اجتماعی را بر متغیر مشارکت شهروندی نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات مدل تجربی زیر سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به همراه هریک از ابعاد خود در مجموع توانسته است ۵۹ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را در میان پاسخگویان تبیین و پیش‌بینی کند، همچنین ضریب استاندارد مدل (Beta) برابر با ۰/۷۷ است و در سطح خوب است، نوع رابطه مثبت و مستقیم است؛ بدین معنا که تغییر یک انحراف استاندارد در سرمایه‌ی اجتماعی، باعث تغییر ۰/۷۷ انحراف استاندارد در متغیر مشارکت شهروندی می‌شود.

بارهای عاملی متغیر وابسته و مستقل تحقیق تأثیر، شدت، جهت و میزان تبیین‌کنندگی متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت شهروندی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی با ضریب بتای ۰/۶۹ بیشترین و رسانه با ضریب بتای ۰/۱۱ کمترین قدرت را در تبیین سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی داشته است. همچنین در متغیر مشارکت شهروندی، مشارکت عملی با ضریب بتای ۰/۸۵ و اختصاص وقت با ضریب بتای ۰/۳۵ کمترین قدرت را در تبیین سازه‌ی مشارکت شهروندی داشته است.

جدول شماره‌ی ۵ آماره‌های برازش در معادله‌ی ساختاری را نشان می‌دهند، که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه‌ای تناسب دارد یا خیر. متناسب با داده‌های موجود در جدول آماره‌ی کای اسکوئر معنادار نیست که این بیانگر برازش مدل تجربی است؛ بدین معنا که تمایز آن‌چنانی بین داده‌های نمونه‌ای و داده‌های تولید شده توسط مدل تحلیلی وجود ندارد. همچنین نتایج آماره‌ی ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد $RMSEA = 0/05$ در محدوده‌ی قابل قبولی قرار دارد. همچنین تمام آماره‌های برازش مقتصد و تطبیقی همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۶ آمده است در محدوده‌ی قابل قبولی قرار دارند. در نهایت این آماره‌ها نشان می‌دهند که مدل نظری ما توسط داده‌های نمونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است و نشان از تأیید فرضیات پژوهش دارد.



مدل شماره ۱: مدل تجربی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

جدول شماره ۵: آماره‌های برازش مدل ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی

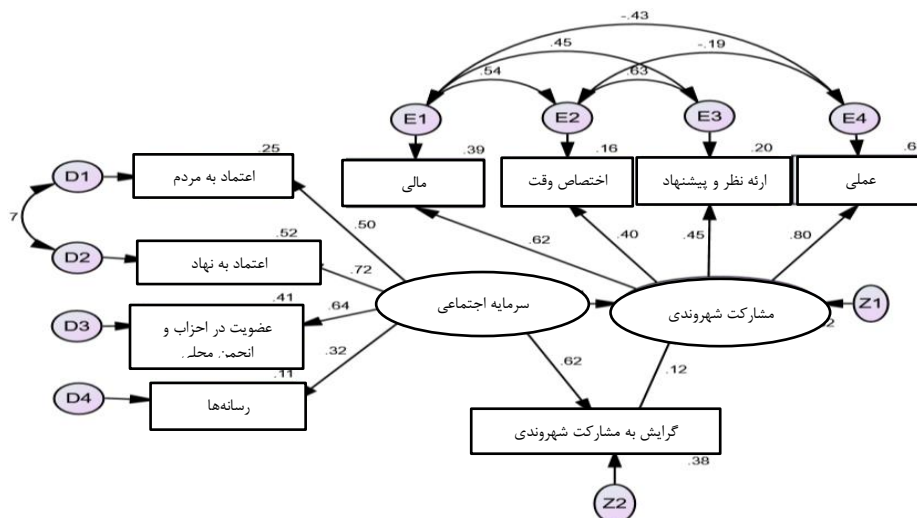
X2/df	TLI	CFI	IFI	NFI	R2
۳/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۵۹

پس از ورود متغیر گرایش به مشارکت شهروندی در سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تغییراتی در آماره‌های مدل ایجاد شد و نشان داد که سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با حضور عامل گرایش به مشارکت در مدل تجربی، تأثیر غیرمستقیم و بیشتری بر مشارکت شهروندی داشته‌است که طبق مدل ۲ به بررسی و تحلیل آن می‌پردازیم. براساس اطلاعات مدل تجربی زیرسازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به همراه تمام ابعاد خود و عامل گرایش به مشارکت شهروندی که بعد ذهنیت و نگرش افراد نسبت به مشارکت شهروندی را در بر می‌گیرد، توانسته است ۶۲ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی (متغیر وابسته) را به عنوان یک کنش اجتماعی در میان پاسخگویان تبیین و پیش‌بینی کنند، همچنین ضریب استاندارد مدل (Beta) برابر با ۰/۷۱ است و در سطح خوبی است، نوع رابطه مثبت و غیر مستقیم است. همچنین سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نیز ۳۹ درصد تغییرات گرایش به مشارکت شهروندی را تبیین کرده است که ضریب بتای آن ۰/۶۲ در سطح خوب و نوع

رابطه مثبت و مستقیم است؛ بدین معنا که تغییر یک انحراف استاندارد در سرمایه‌ی اجتماعی، باعث تغییر ۰/۶۲ انحراف استاندارد در متغیر گرایش به مشارکت شهروندی می‌شود.

بارهای عاملی متغیر وابسته و مستقل تحقیق تأثیر، شدت، جهت و میزان تبیین‌کنندگی متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت شهروندی را با ورود متغیر گرایش به مشارکت نشان می‌دهد و یافته‌ها حاکی از آن است که عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی با ضریب بتای ۰/۶۶ بیشترین تأثیر و رسانه با ضریب بتای ۰/۳۲ کمترین قدرت را در تبیین سازه سرمایه‌ی اجتماعی داشته‌اند. همچنین در متغیر مشارکت شهروندی، مشارکت عملی با ضریب بتای ۰/۶۶ و اختصاص وقت با ضریب بتای ۰/۱۹ کمترین قدرت را در تبیین سازه‌ی مشارکت شهروندی داشته‌است.

جدول شماره‌ی ۶ آماره‌های برازش در معادله‌ی ساختاری را نشان می‌دهند، که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه‌ای تناسب دارد یا خیر. متناسب با داده‌های موجود در جدول آماره‌ی کای اسکوئر معنادار نیست که این بیانگر برازش مدل تجربی است؛ بدین معنا که تمایز آن‌چنانی بین داده‌های نمونه‌ای و داده‌های تولید شده توسط مدل تحلیلی وجود ندارد. همچنین نتایج آماره‌ی ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد $RMSEA=0/07$ در محدوده قابل قبولی قرار دارد. همچنین تمام آماره‌های برازش مقتصد و تطبیقی همانگونه که در جدول شماره‌ی ۷ آمده است در محدوده‌ی قابل قبولی قرار دارند. در نهایت این آماره‌ها نشان می‌دهند که مدل نظری ما توسط داده‌های نمونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است.



Degree of freedom= 19 chi-square= 116/20 RMSEA= 0/07 R2= 62

مدل شماره ۲: مدل تجربی نظریه سرمایه‌اجتماعی با ورود عامل گرایش به مشارکت شهروندی

جدول شماره ۶: آماره‌های برازش مدل ساختاری سرمایه اجتماعی با ورود عامل گرایش به

مشارکت شهروندی

X2/df	TLI	CFI	IFI	NFI	R2
۵/۲	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۶۲

بحث و نتیجه‌گیری

با مرور دوباره‌ی مسأله‌ی پژوهش و نتایج به دست آمده از آن، به تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های وضع موجود با وضع مطلوب می‌پردازیم. همانطور که در بیان مسأله ذکر شد، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر متغیرهایی همچون رسانه، اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به نهاد مدیریت شهری، عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی بر مشارکت و گرایش به مشارکت شهروندی در سطح حکومت‌های محلی و سنجش میزان قدرت تبیین‌کنندگی مدل سرمایه‌ی اجتماعی درباره‌ی مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهر و محله است. همانطور که گفتیم بسیاری از مسائل و مشکلات شهرهای امروزی، ریشه در عدم مشارکت مردم در طرح و اجرای برنامه‌ها دارد، به طوری که اجرای هر برنامه بدون در

نظر گرفتن نظر و مشارکت مردم کاری بیهوده است. مشارکت شهروندی به عنوان مسأله‌ای اساسی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای سازمان شهرداری، سبب افزایش درک و آگاهی شهروندان از مسائل مربوط به خودشان و نیاز متقابل به یکدیگر می‌شود، به ایجاد جامعه بهتر کمک می‌کند و توانایی‌های یک جامعه را برای هماهنگ کردن کنش‌های افراد به منظور توسعه و بهبود کالاهای جمعی ارزشمند، تقویت کرده و حکومت‌گری بهتری را ایجاد می‌کند و همچنین فرصت‌های تدوین سیاست‌های هوشمندانه را افزایش داده و مؤلفه‌ای بسیار اساسی و سودمند برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار شهری خواهد بود. مطابق با چهارچوب نظری پژوهش پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. همچنین رشته‌ی روابط متقابل همکارانه بین شهروندانی است که حل مشکلات عمل جمعی را تسهیل می‌کند. فرایندی که کنشگران اجتماعی طی آن، شبکه‌ی ارتباطات درون و بین سازمان‌ها را برای دستیابی به منابع سایر کنشگران اجتماعی خلق و بسیج می‌نماید، ضمن آنکه توانایی کنش‌گران در تضمین منافع صرفاً به علت عضویت آنان در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی است و اعتماد در آن نقش بسزایی دارد. اعتماد موجب پیوند محکم و قابل اعتماد شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی و تقویت، ارتقاء اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی است و همچنین به معنای باور صداقت، صلاحیت و قابلیت اطمینان از فرد مورد اعتماد یا خدمات مربوط است، که اینگلهارت شبکه‌ها را نتیجه‌ی اعتماد مردم به یکدیگر می‌داند که اصولاً از سطح عضویت در انجمن‌ها به سطح گسترده‌تر جامعه منجر می‌شوند. از طرفی رسانه‌ها در راستای جلب اعتماد و آگاهی دادن به شهروندان دارای نقش کلیدی بوده و ابزاری استراتژیک برای مدیران شهری جهت جلب مشارکت‌های شهروندی به حساب می‌آید بنابراین در خصوص فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت شهروندی تأثیر معناداری دارد، مطابق با اعداد موجود

در مدل تحقیق؛ فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. علامت مثبت Beta نیز نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت و مستقیم ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت شهروندی است. همچنین نتایج این بخش با برخی از نتایج تحقیقات پیشین از جمله (علی‌پور، زاهدی و شیانی، ۱۳۸۸؛ گیلتمن و دیفرانسیسکو، ۱۹۸۳؛ وان گرانوودینگ، ۲۰۱۰؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ هاشمیان، ۱۳۸۹؛ حسین‌زاده، نبی‌الله و عباسی، ۱۳۹۱؛ مسعودی و نوغانی، ۱۳۹۵) همسو است. درباره‌ی قدرت تبیین‌کنندگی این مدل یافته‌ها نشان داد که سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی توانسته ۵۹ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را تبیین و پیش‌بینی کند، که عضویت در احزاب و انجمن‌های محلی بیشترین تأثیر و رسانه‌ها کمترین تأثیر را در قدرت تبیین‌کنندگی این مدل داشته‌اند.

سپس با ورود عامل گرایش به مشارکت شهروندی در درون مدل سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر نگرش و ذهنیت افراد نسبت به پدیده‌ی مشارکت شهروندی مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های مطابق با اعداد موجود در مدل تحقیق نشان از وجود تأثیر معنادار این عامل در کنار سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت شهروندی و افزایش قدرت تبیین‌کنندگی مدل داشت بدین معنا که نگرش و ذهنیت افراد به مسأله‌ی مشارکت عاملی بسیار مهم و تأثیرگذار بر کنش شهروندان در امور شهر و محله است که توانسته قدرت تبیین‌کنندگی سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را نیز افزایش دهد که در نهایت این مدل یعنی سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با تمام ابعاد خود به همراه عامل گرایش به مشارکت شهروندی توانسته ۶۲ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را تبیین و پیش‌بینی کند. که اعتماد به نهاد مدیریت شهری بیشترین تأثیر و رسانه‌ها کمترین تأثیر را در قدرت تبیین‌کنندگی این مدل داشته‌اند.

در پژوهش حاضر میانگین کل مشارکت در بین شهروندان تهرانی در امور شهر و محله ۲/۳۵ از ۵ است که مشارکت در سطح متوسط به پایین را گزارش می‌کند. همچنین عدد حاصل برای میانگین کل گرایش به مشارکت ۳/۴۱ از ۵ به دست آمده است که گرایش به مشارکت در سطح متوسط رو به بالا را گزارش می‌کند. تحقیقات داخلی پیشین نیز میزان مشارکت را در ابعاد مختلف در سطح متوسط و متوسط به پایین گزارش

کرده‌اند (صالحی، ۱۳۸۵؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ شمس پویا و توکلی‌نیا، ۱۳۹۴؛ غفاری گیلانده، ۱۳۹۳؛ اسدالهی و همکاران، ۱۳۹۲).

تناقض موجود در میانگین کل میزان گرایش به مشارکت شهروندی و عمل مشارکت می‌تواند نشأت گرفته از عواملی همچون فردگرایی بالا شهروندان، عدم وجود آموزش صحیح (به صورت رسمی و غیر رسمی)، عدم آگاهی سیاسی کافی نسبت به امور شهر و محله، و احساس شهروندان نسبت به بی‌تأثیر بودن فعالیت‌های خود در بهبود شرایط شهری، نارضایتی از عملکرد مدیران شهری و سایر عواملی باشد که بنا به محدودیت‌هایی در این تحقیق به آن پرداخته نشده‌است. از طرفی مسؤولان شهری پیش از مسؤول بودن شهروند هستند که توسط شهروندان دیگر برای اجرای صحیح قوانین و ساختن یک شهر خوب انتخاب شده‌اند، بنابراین مسؤولان با عملکرد و سیاست‌های اجرایی خود در جنبه‌های مختلف فعالیت‌های شهری، پایبندیشان به قوانین و برابر دانستن تمامی شهروندان در برابر قانون و ایجاد سیستم شهروندمداری در مدیریت شهری، شفاف‌سازی کانال‌های ارتباطی، میزان اعتماد افراد جامعه را نسبت به خود رقم می‌زنند، که اعتماد می‌تواند مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه در میزان مشارکت شهروندان در تمامی ابعاد آن باشد که به تبع آن می‌توان شاهد حضور و مشارکت بیشتر شهروندان در عرصه‌های عمومی جامعه از جمله مشارکت فعال و مؤثر در امور شهر و محله بود بنابراین مطابق با یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که مدیران و برنامه‌ریزان شهری با ارائه‌ی طرح، برنامه‌ها و پروژه‌های خود در خصوص شهر و محله و نظرسنجی از شهروندان درباره‌ی هر پروژه‌ی خرد و کلانی، آنها را در روند تصمیم‌گیری دخیل کرده و اعتماد آنان را جلب کنند، چرا که دخیل کردن شهروندان در روند تهیه و اجرای طرح‌ها در افراد حس‌اثربخشی و اقتدار ایجاد کرده و می‌تواند نقش تأثیرگذاری در مشارکت افراد و حس‌مسئولیت‌پذیری آنان در امور شهر و محله ایفا کند. از دیگر پیشنهاد‌های کاربردی می‌توان به اقتدار بخشی به نهادهای مدنی و رسانه‌ها جهت نظارت بر عملکرد نهاد مدیریت شهری اشاره کرد. در نهایت تمام این فرآیندها به مسأله‌ی اعتماد ختم می‌شود که در صورت وجود اعتماد به نهاد مدیریت شهری و عملکردشان در

بین شهروندان می‌توان شاهد مشارکت و همکاری مردمی در پروژه‌های شهر و محله بود.

منابع و مأخذ

- آتال، یورکش. الس، اوین. (۱۳۷۹). فقر و مشارکت در جامعه‌ی مدنی، ایرج پاد، تهران: انتشارات سروش.
- امام‌جمعه‌زاده، جواد؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ عیسی‌نژاد، امیر؛ مردی، زهره. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷(۴)، ۷-۳۴.
- اسداله‌ی، عبدالرحیم؛ حسین‌زاده، علی حسین؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ نبوی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). سبک زندگی شهری و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند اهوازی؛ یک پیمایش منطقه‌ای، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴(۱)، ۱-۱۶.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. چاپ هشتم، تهران: نی.
- توکلی، مرتضی و میرزا پور، سلیمان. (۱۳۸۸). ارزیابی سرمایه‌ی اجتماعی در راستای تحلیل مدیریت شهروند محور (مطالعه‌ی موردی: محلات شهر خرم آباد). همایش برنامه‌ریزی شهری ضرورت‌ها و راهکارها در استان لرستان. ۱(۱).
- حسین‌زاده، علی حسین؛ فدایی ده چشمه، حمید. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر کرد). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵(۲)، ۵۹-۸۲.
- حسین‌زاده، علی؛ ایدر، نبی‌الله؛ عباسی، الهام. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان خرم آباد، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۲(۲)، ۵۹-۸۲.
- خراسانی، محمد مظلوم؛ نوغانی، محسن؛ خلیفه، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی کاربردی، ۱(۲۳)، ۵۰-۸۰.
- ربانی، رسول؛ آرانچولام، دارما؛ عباس‌زاده، محمد؛ قاسمی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری؛ مورد مطالعه شهر

- اصفهان، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۹(۴)، ۷۳-۹۹.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۲). *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*، تهران: مرکز تحقیقات و مسائل روستایی.
 - زیاری، کرامت اله؛ نیک پی، وحید؛ حسینی، علی. (۱۳۹۲). *سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس حکمرانی خوب شهری - مطالعه‌ی موردی: شهر یاسوج، مسکن و محیط روستا*، ۱۴۱(۲۳)، ۶۹-۸۹.
 - زرافشانی، کیومرث؛ خالدی، خوشقدم؛ غنیان، منصور. (۱۳۸۸). *تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری ارنشتاین، پژوهش زنان*، ۳(۷)، ۱۰۷-۱۲۸.
 - زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). *اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناختی*، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
 - سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۵). *شهرسازی مشارکتی برای سازماندهی فضایی؛ مطالعه‌ی موردی: قلعه‌ی آبکوه مشهد، نشریه‌ی هنرهای زیبا*، ۲۸، ۲۳-۳۴.
 - سازمان ملل متحد. (۱۳۹۲). *قابلیت‌های کلیدی برای بهبود حکمرانی محلی، مفاهیم و استراتژی‌های، ترجمه‌ی طیبه نادآبادی، تهران: تیسا.*
 - ساروخانی، باقر و امیر پناهی، محمد. (۱۳۸۵). *ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی، پژوهش زنان*، ۱۵، ۳۱-۶۰.
 - شارع پور، محمود. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.
 - شمس پویا، محمد کاظم و توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۹۴). *تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر مشارکت شهروندی و پاسخ‌گویی مدیران شهری. آمایش محیط*، ۳۰(۸)، ۱۳۸-۱۵۲.
 - صالحی. یاسان. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر بجنورد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.*
 - علوی‌تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). *بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)*. جلد دوم، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
 - علی‌پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد؛ شینانی، ملیحه. (۱۳۸۸). *اعتماد و مشارکت.*

جامعه‌شناسی ایران. ۲(۱۰). ۱۳۵-۱۰۹.

- غمامی، مجید؛ توفیق، فیروز؛ مدنی‌پور، علی؛ داوری، سیمین. (۱۳۸۴). روش‌های شهرسازی نوین در فرانسه و انگلستان و آمریکا، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- غفاری گیلانده، عطا؛ موسی‌زاده، چیمین؛ آهنگری، نوید. (۱۳۹۳). سطح‌بندی مشارکت شهروندی محله‌مدار در نظام مدیریت شهری (مطالعه‌ی موردی موکان)، اقتصاد و مدیریت شهری، ۷(۲)، ۸۱-۹۹.
- فیروزجاییان، علی اصغر، شارع‌پور، محمود، فرزام، نازنین. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۳۵(۱۷)، ۳۱-۷.
- فخرایی، عباس و مرزی، روژین. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی مشارکت شهروندان و فاکتورهای اصلی مدیریت شهری. مطالعات محیطی هفت حصار، ۲۱(۶)، ۱۷-۲۶.
- فیروزآبادی، احمد و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۵). سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی در کلان شهر تهران، رفاه اجتماعی، ۲۳(۶)، ۱۹۷-۲۲۴.
- فاضلی، نعمت‌الله؛ کاظمیان، غلامرضا؛ رمضان نصرتی، مریم. (۱۳۹۴). کارکرد فرهنگی مدیریت شهری در ارتقاء مشارکت شهروندان. انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳۹(۱۱)، ۱۲-۳۶.
- قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران. (۱۳۸۵). سطح‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان، رفاه اجتماعی، ۲۳(۶)، ۲۲۵-۲۵۱.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). نظریه‌های بنیادهای اجتماعی. منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). راه سوم. منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۹۱). تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده-فرهنگ دهقنی راجرز)، رفاه اجتماعی، ۱۹(۵)، ۱۸-۴۵.
- مسعودی، حمید و نوغانی، محسن. (۱۳۹۵). شورای اجتماعی محلات شهر مشهد: مشارکت شهروندی بهینه‌ی محله‌مبنا. مطالعه‌ی جامعه‌شناختی شهری، ۲۰(۶)، ۶۹-۹۸.

- محمدی، جمال؛ باقری، کیوان؛ حیدری، سامان. (۱۳۹۲). سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن. **تحلیل اجتماعی**. (۶۹). ۴-۲۰۹-۱۷۹.
- هاشمیان، مریم. (۱۳۸۹). **بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مشهد در سال ۱۹**. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: حسین بهروان.
- Arnestein, S. R. (1969) A Ladder of Citizen Participation, **Journal of the American Planning Association**, 35(4):216-24.
- Baum, H.S. (2004) Citizen Participation, **International Encyclopedia of The Social Behavioral Sciences**, PP:1840-1846.
- Besser, T, L. (2009), Changes in Small engagement. **Journal of kural studies**, 25, 185-193.
- Burdieu, Pierre. 1985. The Forms of Capital in Handbook of theory and research for The Sociology of education. Ed. G. Richardson, **Newyork: Greanwood**, 241-258.
- DiFranceisco, Wayne, and Zvi Gitelman. Soviet political culture and "covert participation" in policy implementation." **American Political science review**, 78.03 (1983): 603-621.
- Fukuyama, F. (1997) "**Economic Globalization and Culture**", The Merrill Lynch Forum.
- Fukuyama, F. (1995). **Trust: Social virtues and the theceatio of prosperity**. New York, fee press.
- Ingelhart, Ronald (1977). **The Silent Revolution: Changing Values and Political Styles Among Western Publics**. Princton: Princton University Press.
- Kovac, D., & Trcek, D. (2009). Qualitative trust modeling in SOA. **Journal of Systems Architecture**, 55(4), 255-263.
- Kritsotakis, George, Maria, Vassilaki, Leda Chotzi, Vaggelis Georgion, Anastassios E, Philalithis, Manolisk ogevihias, Antonisk onits, 2011, Maternal Social Capital and brith outcomes in the mother. Child cohort in Crete, Greece (Rhea study), **Social SCIENCE & Medicine**, 73, P 1653-7660.
- Marschall, M.J. (2004) Citizen Participation and Neighborhood, Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods, **Political Research Quarterly**, Vol. 57, No. 2, pp:23 I-244.
- Narayan. D. Cassidy, M. F. A. 2001. A Dimensional approach to Measuring Social Capital: Development and validation of a Social capital Inventory. **Current Sociology**. 49(2): 59-102.
- Lehtonen, M, 2004, The environmental social interface of sustainable

- development, Capabilities, *Social Capital*, institutions. **Ecological Economics**. 49: 199-214.
- Ports, A. (1998). Social Capital: Its Orgins and Applications in Modern Sociology. **Annual review of Sociology**, 24(1).
 - Van Groenou, M. B., Deeg, H. D. (2010). Formal and informal social participation of the Young-old in The Netherlands in 1992 and 2002. **Ageing & Society**, 30 (3), 445-465.
 - Viveros, J., M., R. (2007). Citizen Participation Models in Local Government. **International Political Science Association**. PP; 125-139.
 - Woolcock, M. (1998), Social capital and Economic Development: Towards a Theoretical Synthesis and Policy Framework, **Theory and Society**, 27.
 - Winter, Lan. (2000), **Towards a Teorised Undrestanding of family life and Social Capital**, Working paper NO.21, April 2000 Astrailian Institute of Family studies.